

شنبه ۱۵ جون ۲۰۱۹

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری
قسمت یازدهم

رفتی ز دیده و داغت به دل ماست هنوز
هر کجا می نگرم روی تو پیداست هنوز
آنقدر مهر و وفا بر همگان کردی تو
نام نیکت همه جا ورد زبان هاست هنوز



متمرکز کردن اقتدار دولتی و تعریف دوباره از روابط دولت - جامعه

تحکیم دولت در عهد فرمانروایی امیر عبدالرحمن خان (1880 - 1901):

عزم و اراده در دوره سلطنت امیر عبدالرحمن خان (1880 - 1901 میلادی) با متمرکز نمودن اقتدار در داخل دستگاه اداری جهت انکشاف کشور با حفظ کامل و اقتدار مطلق امیر مشخص گردید.

به دست داشتن وسایل نو که عبارت از اسلحه بود مایحتاج امیر را پوره و به وی اجازه سرکوب نمودن قبایل سرکش و نافرمان (غلزایی ها و شینواری ها) را داده و توانست تا به سیاست پیشروی بالای قلمرو به طرف نورستان و هزاره جات ادامه بدهد. بر علاوه نتیجه تمرکز سازی اقتدار سیاسی در کابل، باعث روی کار آمدن یک نطفه اداری نو که بالای عقاید نو دولتی اتکا دارد، گردید.

تعریف دوباره از ایدیولوژی دولتی و مشروعیت دادن اقتدار سیاسی:

امیر عبدالرحمن خان در عهد سلطنت خود با عزم و اراده تصمیم گرفت که دولت را از زیر فشار بازیگران قبایلی و مذهبی نجات بدهد. اولاً با مرکزی ساختن دولت و با روی کار آمدن یک تعداد امکانات اداری و اقتصادی و تقویت بخشیدن قوه مجریه، و ثانیاً با بلند بردن امکانات در اردو و در پولیس که باعث تقویت آن ها گردید، و ثالثاً از وسیله و ستراتیژی تفرقه اندازی، و بالاخره به بوسیله زور و فشار، رهبران قبایلی و مذهبی را خنثی ساخت. نتایج بسیار مهم که از این نوع سیاست تغییر آوری که همانا متمرکز ساختن قدرت دولتی می باشد و احتمالاً تغییر آوردن در روابط بین بازیگران مختلف سیاسی بوده، و این پیامد های متمرکز سازی دولتی و مشروعیت دادن به دولت، در حقیقت مشروعیت قبایل را که تا وقت سلطنت امیر دوست محمد خان وجود داشت به نفع مذهبیبون تبدیل می نماید.

به این ترتیب روی کار آمدن اقتدار دولت متمرکز مستلزم خلق نمودن دستگاه اداری در تمام کشور، و موفق به جمع آوری مالیه گردید. و امیر برای رسیدن به اهداف خود اقتدار خود را با پیشروی در نقاط دور دست کشور یعنی تا مناطق کوهستانی مرکز کشور هزاره جات و همچنین مناطق دور دست دیگر مانند کنر و نورستان فعلی پهن نموده و تمام بازیگران ساحه سیاسی مانند رهبران قبایل و همچنین بعضی از اعضای فامیل شاهی که یک مانع بسیار مهم جهت خود مختاری دولت بودند، و ادار به یک رفتار مناسب و رضایت بخش در مقابل امیر نمود. اقدامات اقتصادی به هدف شکستادن خود مختاری مالی آن ها طوری گرفته شد که یک کمک مالی توسط دولت برای شان اختصاص داده شد، سیاست پیش گرفته شده امیر در قبال مذهبیبون یک نمونه است.

ایدیولوژی نو قدرت به حیث نتیجه سبب مشروعیت دادن به اقتدار اسلامی فرمانروا گردید.

به قرار اولسن استه (Olesen Asta):

«نشان دهنده انتخاب بسیار واضح، و یا گفته می توانیم یگانه انتخاب برای امیر می باشد».

«مشروعیت این دولت از نوع مدرن با وجودی که این مدرن بودن خیلی ابتدایی و جزئی می باشد، با آنهم نشان دهنده یک انتخاب واضح و یا به عبارۀ دیگر یگانه انتخاب ممکن برای امیر بود. اسلام یگانه وجه مشترک در جامعۀ بی نهایت غیر متجانس می باشد، و از طرف دیگر اسلام تشکیل دهنده یک میراث کلتوری عمده در بین تمامی گروپ های جامعه و داشتن رسوم و عادات مردمی بوده و برای وحدت جامعه رول خیلی مهم را بازی می کند».

رهبران قبایل استعداد امیر را مافوق و علیا نسبت به دیگر رهبران در ساحه سیاسی دانسته و فرمودند که اقتدار فرمانروا در اثر رضای خداوندی بوده و اما این رضای خداوندی بواسطۀ موجودیت ادارات که سبب تشکیل جرگه که مظهر اقتدار مجموعی و مساوات بین انسان ها می باشد، خود را مجسم می سازد.

تمایل به طرف شدت بخشیدن مشروعیت اقتدار اسلامی در زمان امیر دوست محمد خان بلند رفت و به همین مناسبت به وی عنوان امیر المومنین داده شده بود. اما با روی کار آمدن سلطنت امیر عبدالرحمن خان اسلام یک پایۀ ایدیولوژی نو دولت گردیده و امیر عبدالرحمن خان سلطنت خود را به رضای خداوندی ارتباط داده و قدرت خود را به تصویب ملکوتی ارتباط داده، و فرمانروا چنین می فرمایند:

«قسمی که خواست خداوند (ج) ست، که افغانستان از شر تجاوزات خارجی و نا استواری و بی ثباتی داخلی نجات یابد، این بنده فروتن، متواضع و خادم، به خود مسؤلیت این مؤقف را داده تا امور دولتی را جهت رفاه و آسایش ملت پیش برده و براه پیشرفت مخلوقش مخلص و ارادتمند باشم... (Khan, S.M 1990 \ 1980, II : 80)».

دوکتورین امیر بالای ایدیولوژی اطاعت و فرمانبرداری مطلق از وی ساخته شده است، و این اطاعت مطلق از امیر توسط دستور مذهبیون داده شده است.

در جملۀ تعهدات که امیر بالای آن تأکید زیاد داشت همانا ضمانت از تعهدات جهاد در ساحۀ سیاست بود، به قرار دوکتورین امیر عبدالرحمن خان وقتی جهاد جنبه مشروع می تواند داشته باشد که اعلان آن تنها از طرف امیر صورت بگیرد:

«مسلمان های واقعی می دانند که غزا (ghâza) به معنی پیکار و یک جنگ دفاعی یک ملت در زمانی که کشور شان مورد تجاوز قرار گیرد، می باشد، هیچ جنگ مذهبی نباید بدون امر و دستور العمل فرمانروا کشور به راه انداخته شود..... (Khan, S.M. 1900/1980, II : 51)».

این نظریه به معنی یک تبرئه از سیستم اجباری سربازگیری می باشد که به قرار امر امیر از هر بیست نفر یک نفر برای انکشاف اردوی حُر فوی و تخصصی کاملاً مستقل از قبایل بوجود آید، که مورد مخالفت قبایل واقع گردیده و آن را تأیید نکردند.

مصارف عسکری به قرار برآورد امیر هفتاد و هشت فیصد درآمد دولت را در بر می گیرد. اردو را از قبیلۀ غلزایی استخدام و جذب نمود.

ادامه دارد